**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه183– 12 /08/ 1398 عده در روایات / متن تکمله‌ی عروه/ بررسی اقوال فقها/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در متن تکمله‌ی عروه بود. مرحوم سید کتاب العدد را با مواردی که عده واجب نیست، شروع می کنند. مساله‌ی اول را بررسی کردیم و بیان شد که غیر مدخول بها عده ندارد مگر در مورد وفات که عده ثابت می شود. همچنین گفتیم که موجبات عده ادخال ماء و دخول می باشد.

# مساله‌ی دوم تکمله‌ی عروه

مساله‌ی دوم در مورد صغیره و یائسه است که در غیر وفات، عده بر این دو واجب نیست.

در مورد صغیره می فرماید: صغیره یک عنوان مستقل است و چه به صورت حرام و چه به صورت اشتباه به او دخول شده باشد، باعث وجوب عده نمی شود.

در مورد یائسه هم می فرماید: مشهور این است که در غیر وفات عده بر یائسه واجب نیست و روایات متکاثر بر آن دلالت می کنند. صاحب جواهر هم فرموده است: می توان در مورد این روایات ادعای تواتر کرد.

# کلام سید در تکمله‌ی عروه

کلام سید در تکمله‌ی عروه چنین است:

«مسألة 2: **لا عدة على الصغيرة في غير الوفاة‌**

و إن كانت مدخولا بها اشتباها أو على وجه الحرمة، و كذا اليائسة على المشهور لجملة متكاثرة من الأخبار، و في الجواهر يمكن دعوى تواترها.

(منها) موثقة عبد الرحمن بن الحجاج عن أبي عبد اللّه (ع) «ثلاث يتزوجن علي كلّ حال التي لم تحض و مثلها لا تحيض، قلت: و ما حدها، قال: إذا اتى عليها أقل من تسع سنين و التي لم يدخل بها و التي قد يئست من المحيض و مثلها لا تحيض، قلت: و ما حدها، قال: إذا كان لها خمسون سنة ...»[[1]](#footnote-1)

## خلط مرحوم سید در نقل روایت

روایت عبدالرحمن بن الحجاج دو نقل دارد که در جامع احادیث شیعه، احادیث 40460 و 40461 می باشد:

1. نقل کافی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ ثَلَاثٌ‏ يَتَزَوَّجْنَ‏ عَلَى كُلِّ حَالٍ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا حَدُّهَا قَالَ إِذَا أَتَى لَهَا أَقَلُّ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا وَ الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قُلْتُ وَ مَا حَدُّهَا قَالَ إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً.[[2]](#footnote-2)
2. نقل تهذیب: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ ثَلَاثٌ‏ يَتَزَوَّجْنَ‏ عَلَى كُلِّ حَالٍ الَّتِي يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قُلْتُ وَ مَتَى تَكُونُ كَذَلِكَ قَالَ إِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ سَنَةً فَقَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ وَ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ قُلْتُ وَ مَتَى تَكُونُ كَذَلِكَ قَالَ مَا لَمْ تَبْلُغْ تِسْعَ سِنِينَ فَإِنَّهَا لَا تَحِيضُ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِيضُ وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا.[[3]](#footnote-3)

مرحوم سید از این روایت به موثقه تعبیر کرده است.

در نقل کافی سهل بن زیاد هست که در صورت تصحیح او روایت صحیحه می شود و در صورت عدم تصحیح او روایت ضعیف خواهد بود و در هر حال روایت موثقه نمی شود.

در نقل تهذیب، علی بن حسن بن فضال است که موجب موثقه شدن روایت می شود.

متن روایتی که سید آورده است، متن کافی است اما موثقه نیست بلکه نقل تهذیب موثقه است.

متن کافی و تهذیب تفاوت های جدی دارند.

## تفاوت های این روایت در دو نقل آن از کافی و تهذیب

1. ترتیب دو روایت با هم تفاوت دارد. در نقل تهذیب ابتدا یائسه را ذکر کرده است، سپس صغیره و بعد از آن غیر مدخول بها را بیان کرده است.

در کافی ابتدا صغیره، سپس غیر مدخول بها و بعد یائسه را ذکر کرده است.

1. سن یائسگی در نقل کافی پنجاه سال و در نقل تهذیب شصت سال ذکر شده است.

روایات متعددی در این باب هست. برای نمونه یک روایت را بررسی می کنیم:

«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ‏ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الصَّبِيَّةِ الَّتِي لَا تَحِيضُ مِثْلُهَا وَ الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ وَ إِنْ دُخِلَ‏ بِهِمَا.»[[4]](#footnote-4)

محمد بن یحیی زائد است زیرا کلینی بدون واسطه از علی بن ابراهیم نقل می کند. ( ضمیر در عنه به کلینی بر می گردد.)

در نقل کافی هم محمد بن یحیی نیامده است و به جای عن زراره، عمن رواه آمده است. عن زراره و عمن رواه خیلی مشابه هم هستند و یکی تحریف دیگری است.

به نظر می رسد عمن رواه صحیح باشد. زیرا زراره از مشایخ معروف حماد بن عثمان است و کسی که کمی آشنایی به اسناد داشته باشد، به خاطر کثرت نقل حماد بن عثمان از زراره، پس از حماد بن عثمان انتظار دارد که نام زراره را بشنود و نا خود آگاه نام زراره را می نویسد.

پس با توجه به عمن رواه روایت مرسله است.

# ادامه‌ی کلام سید در تکمله‌ی عروه

«و ذهب السيد المرتضى إلى ان عدتهما ثلاثة أشهر للاية الشريف وَ اللّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللّائِي لَمْ يَحِضْنَ بدعوى أنّ المراد من قوله تعالى إِنِ ارْتَبْتُمْ ان جهلتم حكمهنّ «و فيه» أنّه خلاف الظاهر مع انّ في صحيح الحلبي عن الصادق (ع) «سألته عن قول اللّه تعالى إِنِ ارْتَبْتُمْ ما الريبة؟ فقال: ما زاد على شهر فهو ريبة فلتعتد بثلاثة أشهر و لتترك الحيض». نعم يدل على وجوب العدة عليهما جملة أخرى من الأخبار لكنها مع عدم مكافأتهما للإخبار الأول محمولة على المبالغة التي‌ لم تر الحيض و التي قعدت من المحيض قبل سن اليأس، فالأقوى ما ذكره المشهور.»[[5]](#footnote-5)

## توضیح شیخ طوسی در مورد ریبه، ذیل صحیح حلبی

«فَالْوَجْهُ فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنَّهُ إِذَا تَأَخَّرَ الدَّمُ عَنْ عَادَتِهَا أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ فَذَلِكَ لَيْسَ لِرِيبَةِ الْحَبَلِ بَلْ رُبَّمَا كَانَ لِعِلَّةٍ فَلْتَعْتَدَّ بِالْأَقْرَاءِ بَالِغاً مَا بَلَغَ فَإِنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا الدَّمُ شَهْراً فَمَا زَادَ فَإِنَّهُ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ لِلْحَمْلِ وَ لِغَيْرِهِ فَيَحْصُلُ هُنَاكَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ مَا لَمْ تَرَ فِيهَا دَماً فَإِنْ رَأَتْ قَبْلَ انْقِضَاءِ الثَّلَاثَةِ أَشْهُرٍ الدَّمَ كَانَ حُكْمُهَا مَا ذَكَرْنَا فِي الْأَخْبَارِ الْأَوَّلَةِ سَوَاءً.»[[6]](#footnote-6)

شیخ طوسی می فرماید: اگر تاخر حیض زن از زمانی که باید حیض ببیند یک ماه شود، عده‌ی سه ماه بر او واجب می شود، البته اگر در این سه ماه حیض ببیند، عده اش سه قرء خواهد بود.

## روایات وجوب عده بر یائسه و صغیره

مرحوم سید می فرماید: «نعم يدل على وجوب العدة عليهما جملة أخرى من الأخبار لكنها مع عدم مكافأتهما للإخبار الأول محمولة على المبالغة التي‌ ...»

کلمه «المبالغة» باید البالغة باشد.

«عدم مکافاتهما» باید عدم مکافاتها باشد، زیرا ضمیر به «جملة اخری من الاخبار» بر می گردد. ( مثل ضمیر لکنها)

### عدم تکافؤ روایات وجوب عده بر یائسه و صغیره با روایات عدم وجوب عده

مرحوم سید می فرماید: روایاتی که عده را بر یائسه و صغیره ثابت می کنند با آن دسته روایات که عده را نفی می کنند، مکافئ نیستند.

#### وجوه عدم تکافؤ

##### وجه اول

این عدم تکافؤ ممکن است ناظر به این باشد که روایات نفی عده به خاطر تکرر زیاد قطعی الصدورند و روایات مثبت عده قطعی الصدور نیستند و ظنی می باشند و روایات قطعی الصدور و ظنی الصدور در یک رتبه نیستند و با هم تعارض نمی کنند و یا در صورت تعارض، روایات قطعی الصدور مقدم می شوند.

از نظر آقای خویی شرط حجیت خبر مظنون الصدور، عدم معارضه اش با خبر مقطوع الصدور است.

ایشان به روایات ما خالف السنة تمسک می کنند که استدلال ایشان تام نیست.

به نظر ما اولین مرجح از مرجحات منصوصه، ترجیح مقطوع الصدور بر مظنون الصدور است.

منظور از «فان المجمع علیه لا ریب فیه»، لا ریب فی صدوره می باشد. روایات مجمع علیه و مشهور، روایاتی است که صدورش قطعی است و روایات شاذ نادر، روایاتی است که اصل صدورش ثابت نیست.

##### وجه دوم

مشهور موافق روایات عدم ثبوت عده بر یائسه و صغیره می باشند.

اگر شهرت را از مرجحات بدانیم، روایات عدم ثبوت عده مشهورند و بر روایات ثبوت عده ترجیح دارند.

اگر روایات شاذ که مشهور از آن اعراض کرده اند، حجت نباشند، روایات عدم ثبوت عده بدون معارض می شوند.

##### وجه سوم

عامه در مورد یائسه قائل به عده هستند. روایات ثبوت عده موافق عامه هستند و روایات عدم ثبوت عده مخالف عامه می باشند. پس روایات عدم ثبوت عده مقدم می شوند.

##### نکته

روایاتی که عده را ثابت می کنند، فقط دو روایت است که یکی از آن دو موقوفه می باشد و روایت بودنش ثابت نیست. پس یک روایت طرف معارضه خواهد بود.

روایت دیگر هم اصل صحتش محل تردید است و به شرط صحتش موثقه می باشد و به موثقه در برابر صحیحه عمل نمی شود. زیرا یکی از مرجحات منصوصه، صفات راوی است. منظور از ثقه علاوه بر صدق در گفتار، صحت مذهب هم می باشد. پس روایت صحیحه مشمول اوثقهما است و مقدم می باشد.

البته این بیان را قبول نداریم. زیرا صفاتی که در روایت آمده است، مربوط به حکمین است و به راوی ارتباطی ندارد.

بیان دیگر این است که از مرجحات منصوصه تعدی کنیم و صحیحه بودن را از مرجحات غیر منصوصه بدانیم.

به نظر ما تعدی از مرجحات منصوصه مبنای تامی نیست. اگر هم این مبنا را تام بدانیم این طور نیست که همیشه روایت صحیحه بر موثقه ترجیح داشته باشد بلکه گاهی به خاطر قرائن، موثقه بر صحیحه مقدم می شود.

مبنای سوم و صحیح این است که ما دلیلی بر حجیت خبر واحد از سیره‌ی عقلا نداریم. دلیل حجیت خبر واحد یا روایات خاصه است یا سیره‌ی متشرعه می باشد. از روایات خاصه در مورد موثقات مطلبی استفاده نمی شود. تنها دلیلی که بر حجیت موثقات است، کلام شیخ طوسی در عده است. شیخ طوسی در عده می فرماید: روایات موثقات حجت است و طایفه به خبر غیر امامی عمل می کنند. البته دو شرط دارد:

1. با خبر امامی مخالف نباشد.
2. با فتوای طائفه‌ی امامیه مخالف نباشد.

بنابراین مقتضی حجیت خبر موثق قاصر است و دلیلی بر حجیت خبر موثق در جایی که با خبر صحیحه معارضه کند، نداریم.

### عدم تعارض روایات ثبوت عده و روایات عدم ثبوت عده بر یائسه و صغیره

مرحوم سید می فرماید: منظور از صغیره، در روایاتی که عده را بر یائسه و صغیره ثابت می کنند، دختر بالغی است که هنوز حیض ندیده است و منظور از یائسه، زنی است که حیضش قطع شده است اما هنوز به سن پنجاه یا شصت سالگی نرسیده است.

پس تعارضی بین دو دسته روایت وجود ندارد.

## روایت موقوفه ای که عده را بر یائسه و صغیره ثابت می کند

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: عِدَّةُ الَّتِي لَمْ تَبْلُغِ الْمَحِيضَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ الَّتِي قَدْ قَعَدَتْ‏ مِنَ‏ الْمَحِيضِ‏ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.[[7]](#footnote-7)

### بررسی سندی

حمید بن زیاد، حسن بن محمد بن سماعه و عبدالله بن جبله واقفی ثقه هستند.

ما روایات علی بن ابی حمزه را تصحیح می کنیم البته به شرطی که راوی آن امامی باشد نه روایاتی را که راوی آن غیر امامی باشد.

روات امامی قبل از وقف علی بن ابی حمزه از او نقل کرده اند اما در مورد راوی غیر امامی دلیل نداریم که قبل از وقف از او نقل کرده باشد. دلیلی هم بر وثاقت علی بن ابی حمزه بعد از وقفش نداریم.

ابی بصیر هم با توجه به علی بن ابی حمزه، یحیی الاسدی است که بنابر تحقیق از اجلاء ثقات است.

در نتیجه اگر علی بن ابی حمزه را بعد از وقف ثقه بدانیم روایت موثقه است اما اگر او را ثقه ندانیم روایت ضعیف خواهد بود، زیرا دلیلی هم نداریم که این روایت قبل از وقف او نقل شده باشد.

البته اشکال دیگر روایت، موقوفه بودن آن است.

### بررسی دلالی

روایت می فرماید: عده‌ی دختری که حیض ندیده است سه ماه است. اگر منظور روایت، دختر صغیره بود، مانند سایر روایات در ادامه بیان می کرد: «مثلها لا تحیض» اما بیان نکرده است. پس مربوط به جایی است که از نظر سنی بالغ شده اما خود این دختر حیض نمی بیند.

«الَّتِي قَدْ قَعَدَتْ‏ مِنَ‏ الْمَحِيضِ» هم مربوط به زنی است که حیض نمی بیند اما هنوز یائسه نشده است.

مرحوم سید خواسته از باب مطلق و مقید بین دو دسته روایت جمع کند. به این بیان که روایات ثبوت عده مطلق هستند و روایات عدم ثبوت عده مقید می باشند. در نتیجه روایات ثبوت عده را بر زنی حمل می کند که در سن حیض هست اما حیض نمی بیند.

اما به نظر می رسد نیازی به آن جمع نیست و ذاتا روایت همین معنا را بیان می کند که دختری که بالغ شده و حیض نمی بیند و یا زنی که یائسه نشده و حیض نمی بیند، عده اش سه ماه است.

1. [تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص54.](http://lib.eshia.ir/10081/1/54/اشتباها) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص85.](http://lib.eshia.ir/11005/6/85/نجران) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص469.](http://lib.eshia.ir/10083/7/469/الخطاب) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص137.](http://lib.eshia.ir/10083/8/137/ابیه) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تکملة العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص54.](http://lib.eshia.ir/10081/1/54/المبالغة) [↑](#footnote-ref-5)
6. [استبصار، شیخ طوسی، ج3، ص325.](http://lib.eshia.ir/11002/3/325/تاخر) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص85.](http://lib.eshia.ir/11005/6/85/حمزة) [↑](#footnote-ref-7)